

*Pazhuheshnameh Matin*  
*Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution*  
*Volume 23, Issue 92, Autumn 2021*  
Research Paper

**Studying Relation between Cultural Rights and Freedom of Speech with an Approach to Imam Khomeini's Viewpoints**

**Mansoore Fasih Ramandi<sup>1</sup>**

**Abstract**

Freedom of speech, based on inherent human dignity and according to his individual independence, is an immanent value. Although the right of freedom of speech has been recognized as a civil and political right in civil rights system and in pro-democracy debates, a second glance at its extensive concept, including written, oral and artistic creations, places it among effective factors of cultural rights. The majority of human rights and freedoms are either included under cultural rights or there is a need for cultural rights to realize them accurately and effectively. The principal question of this study concerns analysis of the relationship between freedom of speech and cultural rights. Any access to the fundamentals of freedom of speech in the structure of cultural rights primarily requires contemplation on the status of these rights in legal system of Islam, Iran and a review of international documents. With respect to the effects of Imam Khomeini's views on consolidation of the essential rights of the nation, reviewing his approach toward freedom of speech and the basis and criteria of culture in his system of thought will be very helpful in picturing this structure.

**Keywords:** rights, freedom of speech, freedom of opinion, culture, cultural rights, human rights

---

1. Assistant Professor, Institute for Culture, Art and Communication, Tehran, Iran, Email: fasih@ricac.ac.ir

## بررسی نسبت میان حقوق فرهنگی و آزادی بیان با رویکردی به دیدگاه امام خمینی (س)<sup>(۱)</sup>

منصوره فصیح رامندی<sup>۱</sup>

**چکیده:** بر اساس کرامت ذاتی انسانی و به اقتضای استقلال فردی وی، آزادی بیان ارزشی ذاتی است. اگرچه حق بر آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق مدنی و سیاسی در نظام حقوق بشر و مباحث مقرون به دموکراسی شناخته شده است، اما با مذاقه بر مفهوم وسیع آن مشتمل بر فرآورده‌های مکتوب، کلامی و هنری، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در حقوق فرهنگی، مطرح خواهد بود. بسیاری از حق‌ها و آزادی‌های انسانی یا در مجموعه حق‌های فرهنگی قرار دارند یا برای تحقق صحیح آن‌ها به حقوق فرهنگی نیاز است. مسئله اصلی این نوشتار واکاوی نسبت میان آزادی بیان و حقوق فرهنگی است. دستیابی به مبنای حق آزادی بیان در ساختار حقوق فرهنگی نیازمند به مذاقه بر جایگاه این حق در نظام حقوقی اسلام، ایران و گذری بر اسناد بین‌المللی است. با توجه به تأثیر دیدگاه‌های امام در تثبیت حقوق اساسی ملت، بررسی رویکرد ایشان در خصوص آزادی بیان و مینا و ملاک فرهنگ در اندیشه ایشان، در ترسیم این ساختار راهگشا خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** حق، آزادی بیان، آزادی عقیده، فرهنگ، حقوق فرهنگی، حقوق بشر.

## مقدمه

حقوق فرهنگی شاخه‌ای جوان از مطالعات حقوقی است که ادبیات آن به تدریج طی دهه هفتاد میلادی به‌عنوان گستره‌ای از حق‌های پذیرفته شده جهانی توسعه یافت، یعنی از زمانی که «توسعه فرهنگی» در مباحث کلان مدیریت امور عمومی و سیاست‌گذاری در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شد. طبق گزارش گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی، این قسم از حقوق، طیف وسیعی از حق‌های بشری هستند که پایه و اساس تحقق حقوق بشر را تشکیل می‌دهند (استاماتوبولو ۱۳۹۲: ۲۴). بر همین اساس این حق، توسط سازمان ملل متحد، گروه‌های تبعی آن، یونسکو، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و گام‌هایی در جهت شناسایی و اجرایی شدن آن در قالب تصویب کنوانسیون، قطعنامه و اعلامیه‌های متعدد و در رأس آن‌ها اعلامیه فرایبورگ برداشته شده است. این اعلامیه از سه مقدمه و سه بخش اصول و تعاریف (مواد ۱ و ۲)، حقوق فرهنگی (مواد ۳ تا ۸) و اجرای مواد (۹ تا ۱۲) تشکیل شده است و ۲۲ حق را به‌عنوان مصادیق حقوق فرهنگی مورد تصریح قرار داده است. در میان شبکه حق‌های در نظر گرفته شده به‌عنوان حقوق فرهنگی در این اعلامیه، برخی از حق‌ها توجه بیشتری را برانگیخته و برخی به جهات مختلف، اولویت لازم را پیدا نکرده و به حاشیه رفته‌اند. این تفکیک از آن‌روست که برخی از مؤلفه‌های حقوق فرهنگی بستر و زمینه‌ساز تحقق سایر مؤلفه‌ها خواهند بود و در جهت دستیابی به برنامه‌ریزی فرهنگی، ضروری است تا این مؤلفه‌ها از سوی دولت‌ها ترویج، حمایت و به مرحله اجرا گذاشته شوند.

بی‌شک در این میان، توجه به زمینه‌سازی برای تثبیت حق آزادی بیان به‌عنوان حقی بشری که زمینه‌ساز تحقق سایر حقوق بشری است از اولویت دوجندانی برخوردار خواهد بود. به‌ویژه که با گستره فضای ارتباطی و به‌موازات حاکمیت آن بر زندگی بشر، این حق به مفهومی آمیخته با دموکراسی برای حمایت از حقوق بشر تبدیل شده است.

با توجه به اهمیت و جایگاه حق آزادی بیان، دستیابی به نسبت میان حقوق فرهنگی و آزادی بیان به‌عنوان مصداقی از این حقوق، نیازمند بررسی دقیق‌تر ماهیت این حق در چرخه حقوق فرهنگی است. اگر مطالعات حق فرهنگی آزادی بیان را به سه بخش تقسیم کنیم بدیهی است یک قسمت عمده آن بررسی احکام اسلام به‌عنوان پایه نظام حقوقی ایران

و راهکارهای تحقق آن و دو وجه دیگر آن، مطالعه نظام حقوقی ایران و بررسی رویکردهای بین‌المللی در این زمینه است. مسلماً بخش اعظم پشتوانه تعیین آزادی بیان به‌عنوان حقی فرهنگی، در نظام حقوقی ایران، متکی بر اندیشه و سیاست‌های امام خمینی به‌عنوان رهبر سیاسی حرکت عظیم انقلاب اسلامی و رویکرد ایشان در ترسیم حقوق اساسی ملت است. به‌منظور دستیابی به این الگوی مطلوب، پس از تبیین مفاهیم حقوق فرهنگی و آزادی بیان با تأملی بر دیدگاه امام خمینی، به بررسی چیرستی این حق فرهنگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود. در جنبه مطالعات حقوق اسلامی و ایران نیز با احصاء دیدگاه امام در این زمینه، الزامات و حدود حق آزادی بیان به‌عنوان حقی فرهنگی، مورد واکاوی قرار گرفته است.

## ۱. تبیین چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

### ۱-۱. مفهوم حقوق فرهنگی

مفاد و مفهوم حقوق فرهنگی تنها در سیاق فرهنگ قابل درک خواهد بود از این رو در وهله نخست باید تعریف یا دست کم برداشتی از فرهنگ در دست داشته باشیم تا بتوان به تبیین صحیح از حقوق فرهنگی به‌عنوان یکی از مصادیق حق‌های بشری دست یافت و در سایه این ادراک قلمرو حقوق فرهنگی را تعیین نمود. در ساده‌ترین برداشت، فرهنگ به سیمانی شبیه است که پیوستگی اجزای ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند و پیونددهنده نسل‌های پیشین، اکنون و آینده است؛ بنابراین در بطن آن عناصر پایا و پویا همراه با هم وجود دارند. اگر جامعه را مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از مناسبات اجتماعی در نظر بگیریم، فرهنگ به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی، محتوا و جان‌مایه این مناسبات است؛ لذا می‌توان گفت اساس ملیت یک ملت، فرهنگ است. چنانچه امام می‌گوید: «در هر صورت، آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۵۳).

مفهوم فرهنگ در اندیشه امام خمینی با تصریح بر نقش آن در هویت جامعه، قابل توجه است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی

و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۳).

آخرین تعریف از فرهنگ در دایره حقوق فرهنگی را می‌توان مستند به «اعلامیه فرایبورگ» دانست. در بند نخست ماده دوم این اعلامیه در تعریف فرهنگ آمده است: «اصطلاح فرهنگ دربرگیرنده آن دسته از سنت‌ها، اعتقادات، زبان، هنر و میراث تاریخی و سبک زندگی است که فرد یا جامعه به واسطه آن‌ها، ماهیت و چرایی هستی خود را تعریف می‌کند».

با توجه به تعاریف مطرح شده از فرهنگ در خصوص تعریف حقوق فرهنگی می‌توان گفت هر حقوقی که مرتبط با حمایت از هر یک از این تجلی‌های بشری باشد، درحوزه حقوق فرهنگی قرار می‌گیرد. امروزه تردیدی وجود ندارد که حقوق فرهنگی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر خانواده بزرگ حق‌های بشری موردپذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفته است چنانکه در اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تصریح قرار گرفته‌اند. با این‌همه در مقایسه با دیگر حقوق بشری، کمتر بدان‌ها پرداخته شده است. با توجه به‌عنوان حق فرهنگی و تصریح بر محق بودن فرد بر فرهنگ و عرصه‌های مرتبط با آن، بدون شک صاحب تکلیف<sup>۲</sup> در برابر این حقوق، دولت‌ها هستند. در خصوص چرخه حق و تعهد، امام خمینی معتقدند، مردم بنا بر موقعیت، عملکرد و تکالیفی که در سطح جامعه دارند از یک سری حقوق بهره‌مند شده و در مقابل، مکلف به اجرای برخی تکالیف شده‌اند. این نوع رابطه حق و تکلیف، رابطه‌ای تعامل گویانه دارد که کارگزاران با توجه به مبانی، انگیزه‌ها و اهدافی که در پی آن هستند، نسبت به آن اقدام خواهند کرد (انصاری و نظری ۱۳۹۴: ۱۲).

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت: حقوق فرهنگی دارای دو معناست، معنای موسع و معنای مضیق. در معنای گسترده حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (مشمول بر آزادی‌های عمومی) را نیز در برمی‌گیرد. چنان‌که در تعاریف مصداقی که در سه اعلامیه

1. Universal Declaration of Human Right (9) December, 1948

2. Duty- holder

لیندر، پروت و فرایبورگ نیز آمده است، این معنا مدنظر بوده است.

## ۲-۱. مفهوم حق آزادی بیان

پروت در مقاله «حقوق فرهنگی به عنوان حق خلق‌ها در حقوق بین‌الملل» حقوق فرهنگی را شامل ۱۱ مؤلفه می‌داند که «حق آزادی بیان با سایر الزامات آن از قبیل آزادی مذهب به عنوان اولین مؤلفه آن در نظر گرفته شده است. در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی نیز، حق بر آزادی بیان، شامل حق بر جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و هر نوع عقیده است. بدون هیچ‌گونه مرزی، اعم از شفاهی، کتبی یا چاپی در قالب هنری یا از طریق هر نوع رسانه به انتخاب هر فرد.

یقیناً مراد از آزادی بیان آن نیست که اشخاص در خلوت خود و بی‌وجود هیچ مخاطبی آزاد باشند که سخن بگویند و مطلب بنویسند؛ زیرا این آزادی صرف عقیده است و نه آزادی بیان، آزادی بیان نسبت به گوینده یا نویسنده در صورتی تحقق می‌یابد که مخاطبان او نیز در دریافت مطالب و اعتقادات او آزاد باشند (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۸۹). برداشت مرسوم از آزادی بیان را می‌توان به دو قسم اظهار عقیده و آزادی ابراز اخباری که شخص از آن‌ها مطلع است تحلیل کرد. وجود هر کدام از این دو نیازمند وجود آزادی دریافت عقاید و اخبار است. از نظر امام خمینی «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید... آزادی یک چیز واضحی است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۹۵-۹۴).

به‌رغم رسمیت جهانی این حق، بدون شک لزوم حفظ منفعت، اخلاق و نظم عمومی جامعه مانع از اطلاق این حق خواهد بود. چنانچه امام خمینی نیز با تأکید بر لزوم تحدید این حق به واسطه در نظر داشتن منفعت عمومی جامعه، در پاسخ به سؤالی درباره حدود آزادی بیان می‌فرماید: «اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۵۲۰).

### ۳-۱. ماهیت و آثار حق آزادی بیان

جان استوارت میل در خصوص چرایی آزادی بیان به چهار دلیل زیر استناد کرده است: ۱. ممانعت از بیان نظری که ممکن است صحیح باشد، به معنی لغزش ناپذیر دانستن خود است؛ ۲. حتی در صورت اشتباه بودن آن نظر، ممکن است بخش کوچکی از آن صحت داشته باشد. فقط تعامل نظرهای مختلف است که فرصت ظهور مابقی حقیقت را می‌دهد؛ ۳. نقد یک نظر به واسطه بیان آن، مانع از تحقق تعصب خواهد بود؛ ۴. در نهایت، عدم تضارب نظر و آرا، منجر به ضعف و در نهایت نابودی آن می‌شود (Mill 1859: 30). بر این اساس ارزش آزادی بیان به واسطه نتایج حاصل از آن است، نه اینکه این حق بالذات دارای ارزش باشد. در واقع عدم وضوح «حق بودن» و «حق داشتن» در مبانی حقوق بشر، بر گستره اعمال این حقوق اثرگذار بوده است به نوعی که درباره حدود و اهداف محدودکننده آزادی بیان، به‌ویژه «اخلاق عمومی» اختلاف نظر وجود دارد.

### ۲. تحلیل حقوقی آزادی بیان در نظام حقوقی فرهنگی اسلام، ایران و بین‌الملل

#### ۲-۱. آزادی بیان در حقوق فرهنگی اسلام

امروزه این تصور وجود دارد که دین اسلام نقش خود را در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری در میان مردم به‌خوبی ایفا کرده است و باید با سازوکارهای مختلفی، از جمله سازوکارهای حقوقی نقش مهم فرهنگی آن تقویت گردد، اما تا هنگامی که آموزه‌های فرهنگی اسلام وارد قالب حقوقی نشده و متعین نگردیده‌اند فاقد ضمانت اجرایی خواهند بود. حقوق فرهنگی در اسلام را می‌توان ارزش‌ها و رفتارهای تغییرناپذیر بشری دانست که با حقیقت وجودی وی مطابقت دارد (داوری ۱۳۸۹: ۹۷). ذکر قید تغییرناپذیر در بیان تعریف فوق، به اقتضای ارائه تعریف صحیح در این موضوع بوده است، اما غرض از اشاره به اعتقادات، ارزش‌ها و گرایش‌ها به این دلیل است که فرهنگ به‌عنوان نظامی متشکل از این سه مقوله در نظر گرفته شده و تأکید بر حقیقت وجودی بشر در این تعریف نیز اشاره‌ای است به لزوم توجه به ماهیت انسان در تدوین حقوق وی.

اسلام برای آزادی بیان، به‌عنوان عاملی برای تعالی مادی و معنوی بشر، قداست و رسمیت ممتازی قائل شده است.. «بیان» از آیات مقدس الهی است که خداوند بلافاصله



پس از خلقت انسان به او آموخته است. خداوند متعال در سوره مبارکه الرحمن فرموده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۴-۳) از دیدگاه اسلام آزادی بیان ضوابط و مرزهای خاصی دارد و رعایت آن‌ها الزامی است. این مرزها به‌طور کلی عبارتند از: لزوم حفظ احترام مقدسات، حرمت افراد، اخلاق و حقوق عمومی، ممنوعیت توطئه و براندازی و ضرورت حفظ نظام جامعه و شرع.

### ۱-۲. راهکارهای اسلام در تأمین حق فرهنگی آزادی بیان

بر اساس مبانی اسلامی جامعه دارای شخصیتی مستقل است و اجتماع انسان‌ها اساساً در ارتباط متکی بر هویت جامعه و انتقال معانی فعلیت می‌یابد. در چنین جامعه‌ای که هویت جمعی آن از اعضای آن جامعه نشأت گرفته است، حقوق و تکالیفی برای این هویت دسته‌جمعی در نظر گرفته شده است، یعنی حقوق ما در پرتو انجام تکلیفمان است. بر اساس منظومه فکری امام خمینی، تکلیف امری همگانی بوده که شامل تمام اقشار و افراد جامعه خواهد بود. به‌طور کلی گرایش به تکلیف و ادای آن در نگاه امام به‌گونه‌ای است که عمل به تکلیف را پیروزی بزرگ و بهترین نتیجه می‌داند و این همان‌طور که گذشت نوعی تکلیف‌گرایی در مقابل فایده‌گرایی یا نتیجه‌گرایی است:

يك قسم از مسائل هم هست که انسان تکلیف دارد از طرف خدا، که اصل مطلب يك تکلیفی هست. و نتایجی هم احتمال می‌رود حاصل بشود، و احتمال هم می‌رود حاصل نشود. در این مسائلی که آدم تکلیف دارد که اقدام بکند، دیگر نباید ما در آن مسائل علم به اینکه نتیجه‌ای [از] آن مطلبی که ما می‌خواهیم، حاصل می‌شود، این لازم نیست علم پیدا کند؛ انسان دنبال این است که آن تکلیفی که به او شده، به آن تکلیف عمل بکند (امام خمینی ۱۳۸۵ج: ۵: ۱۸).

درواقع ترسیم این حقوق و تکالیف خود موجب ثبات هویت جامعه خواهد بود. تأمین حقوق فرهنگی افراد در جامعه اسلامی یکی از وظایف حکومت اسلامی است. با وجود چنین چشم‌اندازی از حقوق و تکالیف می‌توان ادعا داشت که دین مبین اسلام به جهت اهمیت و جایگاه هویت جمعی جامعه و دستیابی به این کل منسجم از راهکارهایی در



جهت تأمین حق فرهنگی آزادی بیان، بهره برده است که در این مبحث به واکاوی این راهکارها خواهیم پرداخت.

### الف) همبستگی و پیوند اجتماعی میان حاکم و ملت

محوری‌ترین راهکار دین مبین اسلام در تأمین حق فرهنگی آزادی بیان، بر مبنای اصل همبستگی و پیوستگی اعضای جامعه اسلامی، در نظر گرفته شده که از این اصل تعبیر به ولاء گردیده است. بر اساس آیه شریفه «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه: ۷۱). ایمان اساس دوستی و ولاء مؤمنان معرفی گردیده است، چراکه ایمان شاخصی برای وحدت و نقشه راه حرکت جامعه اسلامی است.

امام خمینی از یکی بودن امت و امام در جامعه اسلامی تحت عنوان تفاهم یاد می‌کند:

در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می‌داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند؛ و نه مردم در صدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸ : ۲۳۱-۲۳۰). لکن حکومتها خودشان را جدا ندانند از مردم. رؤسا این طور نباشد که بروند هر کس در هر جایی يك ریاستی داشت بخواهد اعمال قدرت بکند؛ اعمال ریاست بکند؛ مردم را پایتتر بدانند؛ با مردم رفتاری بکنند که رفتار يك مثلاً زورمند خیلی کذا است با دیگران. اسباب این می‌شود که مردم از آن جدا بشوند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸ : ۲۳۲-۲۳۱).

ایشان در مقابل، ویژگی جامعه غیردولتی را جدا کردن و جدا شدن مردم از دولت می‌دانند: «عمده در برنامه‌های حکومتی، در برنامه‌های دولتی، این معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در رأس همه برنامه‌هاست. اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می‌کنند. اگر دولت بخواهد برنامه‌ای را ... اجرا بکند، ملت در خدمت آن هست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸ : ۸۷).

### ب) امر به معروف و زمینه‌ساز تحقق حقوق فرهنگی

با تکیه بر آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، می‌توان امر به معروف را که یکی از تعالیم اسلامی و فروع دین مبین اسلام است به‌عنوان یکی از مبنایی‌ترین راهکارها در جهت تأمین حق فرهنگی آزادی بیان، در جامعه اسلامی دانست.

امام خمینی با استدلال به آیه مذکور، این فریضه الهی را از واجب‌ترین و شریف‌ترین واجبات الهی می‌شمرد که برپایی سایر واجبات منوط به آن خواهد بود. ایشان با استناد به روایتی از امام حسین<sup>(ع)</sup> (حرانی ۱۴۰۴: ۲۳۹) که خداوند علمای یهود را به دلیل نپذیرفتن ستمکاران از دروغ‌پردازی، تهمت، تحریف حقایق و امثال آن مورد نکوهش قرار می‌دهد، نکوهش در این آیه را مختص به علمای یهود ندانسته بلکه آن را شامل همه علمای دین می‌داند و سکوت علمای جامعه اسلامی را در برابر سیاست ستمکاران و هیأت حاکمه ستمگر را مورد نکوهش خداوند می‌شمارد «آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیر المؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۰).

بدون شک لازمه چنین امر به معروفی آزادی بیان است، زیرا اگر انسان نتواند نظر خود را ابراز کند، امر به معروف و نهی از منکر تحقق نخواهد یافت به همین جهت ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر - قاهره با مقید کردن آزادی بیان بر «مغایر نبودن با شرع» و رعایت «ضوابط شریعت اسلامی»، آن را در کنار امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته است.

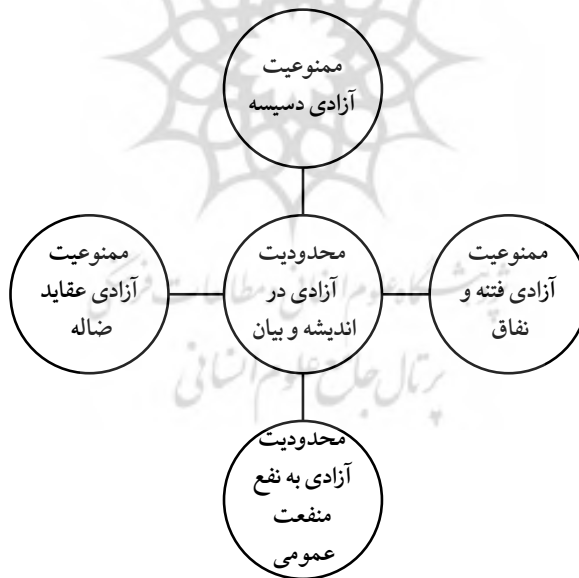
### ۲-۲. آزادی بیان حقی اساسی در نظام حقوقی ایران

شناسایی آزادی بیان و عقیده به مثابه یک حق اساسی مصرح در قانون اساسی، نتایج مهمی را به دنبال خواهد داشت؛ قانون اساسی به‌عنوان اساس و پایه کلیه نظام‌های حقوقی، بر روند قانون‌گذاری، حاکم می‌شود چنانچه امام می‌گوید: «حکومت اسلام، حکومت قانون است» (امام خمینی ۱۳۸۷: ۴۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عبارت «آزادی بیان و اندیشه»، تصریح نکرده است و تنها اصل ۲۴ قانون اساسی بر آزادی نشریات و مطبوعات تا جایی که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد، صحه گذاشته است. در واقع این اصل بر مقید بودن

آزادی نثریات و مطبوعات تأکید دارد. به‌ویژه که برخورداری از آزادی‌ها، همیشه همراه با محدودیت است، چنانچه یکی از تأسیسات شناخته‌شده در نظام بین‌الملل حقوق بشر، نظام محدود کردن آزادی‌ها، به اقتضای حفظ منفعت عمومی است. امام نیز با وجود تصریح بر این نکته که «حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۵۱۰) در واقع قائل به تحدید این حق بشری به‌واسطه حفظ اولویت‌هایی همچون شریعت و مبانی دینی، حقوق و نفع جمعی و سیاسی هستند، از طرف دیگر بر اساس دیدگاه امام خمینی، مصلحت نظام بر مبنای عقول بشری است. به این معنی که مقتضیات زمان متناسب با عقول بشری، از اثر زیادی در احکام اولیه و ثانویه برخوردار است. بر این مبنا، میدان برای آزادی اندیشه و در نتیجه آزادی‌های سیاسی بازتر می‌شود.

### محدودیت‌های آزادی در اندیشه و بیان از دیدگاه امام خمینی



به این ترتیب مقید نکردن این حق، بدون شک منجر به تضییع منفعت عمومی و یا نقض نظم و امنیت عمومی خواهد بود؛ بنابراین آزادی بیان مورد تصریح قانون اساسی، نه تنها مطلق نیست. بلکه معطوف به ۱. حفظ اخلاق و منفعت عمومی و ۲. تبعیت از قوانین عادی است.

### مؤلفه‌های تحدید آزادی در اندیشه وییان

مخل حقوق عمومی	مخل مبانی اسلامی
آشکار کردن اطلاعات نظامی	مخالف با ارزش و اخلاق عمومی
تمامیت ارضی کشور	وهن شریعت و ارزش‌ها و مبانی اسلامی
بر هم زدن امنیت عمومی	وهن و افتراء به اشخاص
شایعه	اشاعه فحشا و فساد
تحریک جامعه علیه نظام	گمراه نمودن جامعه
هتک حیثیت اشخاص	عقاید ضاله
توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی	تضعیف عقاید مردم
انتشار تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی	

نباید از نظر دور داشت که برای تحقق آزادی بیان به‌عنوان حقوق فرهنگی، نیازمند ایجاد و توسعه پاره‌ای دیگر از حقوق همچون حق دسترسی به اطلاعات به‌عنوان لوازم آزادی بیان هستیم. به این معنا که لازمه آزادی بیان دستیابی به اطلاعات از منابع صحیح و متقن است؛ بنابراین برخورداری از حق آزادی بیان، به معنی برخورداری شخص از حق آزادی در دسترسی به اطلاعات است. رابطه آزادی بیان با آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات به‌اندازه‌ای نزدیک است که با تصویب ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در قالب آزادی بیان دو حق دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفتند. به بیان دیگر اگرچه متبادر از مفهوم آزادی بیان در ابتدای امر انتقال اطلاعات و افکار است؛ اما در این ماده علاوه بر آزادی بیان به دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها نیز تصریح شد و این نگاه دوبعدی به آزادی بیان در اعلامیه توسط دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز پیروی شده است (قاری سید فاطمی ۱۳۸۸: ۱۹۰).

فصل سوم قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۸ به‌صورت مطلق و اصل ۱۷۵ این حق را در حوزه فعالیت‌های صداوسیما به رسمیت شناخته است. در این معنا، آزادی اطلاعات عبارت است از حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و آن دسته از مؤسسات

خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند. بر این اساس، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، در ماده ۵ و ذیل بند سوم خود با عنوان «حق دسترسی به اطلاعات»، مردم را ذی‌حق در دسترسی به اطلاعات و مؤسسات عمومی را طرف این حق معرفی کرده است: «مؤسسات عمومی مکلف‌اند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند» (انصاری ۱۳۹۵: ۲۰۳).

با توجه به مفهوم حق دسترسی به اطلاعات در چهارچوب موردبحث ما به‌عنوان حقوق فرهنگی مفهومی عام از حق در نظر گرفته می‌شود که استناد به دو اصل فوق، بی‌گمان مقصود ما را از حق دسترسی به اطلاعات با توجه به انحصار آن به نشریات، مطبوعات و صداوسیما برآورده نخواهد کرد.

عصر انفجار اطلاعات و پیشرفت‌های الکترونیکی مصادیق حق دسترسی به اطلاعات را به‌عنوان یکی از نتایج حق آزادی بیان، توسعه بخشیده است. ما می‌توانیم این تعریف را با در نظر گرفتن نوع ارائه این آگاهی و دسترسی به اطلاعات، یعنی دیداری و شنیداری بودن آن با توجه به فناوری‌های روز کامل کنیم. به دیگر بیان، اطلاعات در دوره‌های مختلف به اقتضای ابزار کاربردی در هر دوره در دسترس عموم قرار می‌گیرد به‌عنوان مثال زمانی مطبوعات، رادیو و تلویزیون و در زمان دیگر اینترنت به‌عنوان محمل و ابزاری در جهت دستیابی به اطلاعات بوده‌اند (ویژه ۱۳۸۵: ۹۷).

با توجه به مطالب بیان‌شده، می‌توان مؤلفه‌های حق آزادی بیان را شامل موارد زیر دانست:

۱. اشخاص حقوقی از حق آزادی بیان بهره‌مند هستند.
۲. این حق، شامل حق جستجو و دریافت اطلاعات و حق اشاعه و بیان اطلاعات است. البته لازم به ذکر است که تثبیت این مصداق از حقوق فرهنگی بشر، در عین اینکه مستلزم شناخت اجزای آن است، نیازمند تعیین ضوابط نسبت به محدودیت آن در جهت حفظ حقوق سایر شهروندان است.

## نتیجه

آزادی بیان جزء اولین حقوقی است که در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. در مبانی حقوقی نیز آزادی بیان به‌عنوان ابزاری برای شکوفایی اندیشه، رشد و تعالی مادی و معنوی بشر مورد تأیید قرار گرفته است. حق بر آزادی بیان نه تنها یکی از حقوق اولیه بشر بلکه یکی از حقوق فرهنگی جهت کارکرد صحیح یک نظام دموکراتیک است. به‌طور قطع، رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به «حق آزادی بیان» را باید در سیاست‌های فرهنگی ملهم از قانون اساسی کشور جست‌وجو کرد. به‌موجب اصل ۲۴ قانون اساسی «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». در اندیشه سیاسی امام اظهار عقیده و آزادی بیان برای کلیه افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی مجاز است و این امر اختصاص به طرفداران نظام ندارد. از نظر ایشان در جمهوری اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و حتی کمونیست‌ها نیز در بیان عقایدشان آزادند. آنچه حدود و ثغور چنین نمادی از آزادی را محقق می‌کند، همان به خطر نیفتادن مصالح ملت است.

امروزه نوعی توافق عمومی وجود دارد که باید برای آزادی بیان، حد و مرزی مشخص کرد و آزادی بیان همانند دیگر جلوه‌های آزادی نمی‌تواند مطلق باشد. از این رو همه جوامع بشری محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان وضع می‌کنند؛ زیرا ممکن است اعمال آزادی بیان در تلاقی با ارزش‌های دیگر قرار گیرد. شاکله اندیشه امام خمینی در خصوص حدود آزادی بیان مبتنی بر «حفظ مصلحت نظام و منفعت عامه» شکل گرفته است. یکی دیگر از نکاتی که امام بر آن تأکید می‌کنند، نفی توطئه و پرهیز از به‌کارگیری آزادی بیان در راستای یک توطئه است. آزادی بیان اگر در چهارچوب یک طرح توطئه‌آمیز باشد قابل قبول نبوده و از آن جلوگیری می‌شود؛ بنابراین آزادی بیان، مادامی که در جهت طرح براندازی و یا توطئه شکل نگیرد، نه تنها مانعی نداشته بلکه از حقوق اساسی مردم محسوب خواهد شد. مشخص است که امام یک نوع ثبات برآمده از قدرت استدلال برای حکومت اسلامی قائل است که آزادی بیان، نه تنها نمی‌تواند این ثبات را بر هم بزند بلکه در تقویت آن مؤثر خواهد بود.

## منابع

- استاماتوپولو، السا. (۱۳۹۲) **حق های فرهنگی در حقوق بین الملل**. تهران: انتشارات خرسندی.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷) **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۵) **حقوق ارتباط جمعی**. تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، منصور، محمدعلی نظری. (تابستان ۱۳۹۴) «مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی و تفاوت آن با حقوق شهروندی در غرب»، **اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۴، صص ۸-۳۲.
- حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴) **تحف العقول**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- داوری، محسن. (۱۳۸۹ ق) **حقوق فرهنگی شهروندی (رویکرد اسلامی)**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۸) **حقوق بشر در جهان معاصر**، دفتر اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲) **آزادی اندیشه و بیان**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ویژه، محمدرضا. (۱۳۸۵) «حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست (بررسی حقوق بشر اروپایی)»، **مجله علمی و پژوهشی محیط شناسی**، سال سی و دوم، دوره ۳۲، شماره ۴۰، صص ۷۸-۸۶.
- Ansari, Mansoor & Nazari, Mohamad Ali. (2016) "The Principles and Principles of Citizenship Rights in Imam Khomeini's Thoughts and its Differences with Citizenship Rights in the West", *Political Thought in Islam*, No (4), P: 8-32 (In Persian).
- Ansari, Bagher. (2017) *Collective Communication Rights*, Tehtan. Samt Publications (In Persian).
- Davari, Mohsen. (2011) *Cultural Rights of Citizens*, Tehtan. Emam Sa-



- degh Publications(In Persian).
- Estamapolo,Elsa. (2014) *Cultural Rights in International Law*,Tehran: Khorsandi Publications
  - Ghari Seyd Fatemi, Seyd Mohamad. (2010) *Human Rights in the Contemporary World,Shahre* ,Danesh Law Studies Institute Publication(In Persian).
  - Harani,Mohamad eben shobe. (1894) *Tohaf Aloghol*,Ghom: Jame Modaresin (In Persian).
  - Imam, khomeini, S.R. (2008) *Imam's Book*, Imam Khomeini Publishing Institute.
  - \_\_\_\_\_ .(2009)*Velaayat Faghih*, Imam Khomeini Publishing Institute(In Persian).
  - Katozian, Naser. (2004) *Freedom of thought and expression*,Tehran, University ofTehran(In Persian).
  - Vijehe,Mohamad Reza. (2009) *European Human Rights Review, Journal of Environment*,No(48),P: 78-86(In Persian).
- Mill,J,S..(1859) *on Liberty*, Available at: [WWW.Utilitarianism.com/ol/one/htm](http://WWW.Utilitarianism.com/ol/one/htm).-